

شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

کریم مرادوند

وکیل پایه یک دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه

چکیده

شناسایی و اجرای آرای داوری های بین المللی سهل تر از اجرای احکام دادگاه های خارجی است. بعنوان مثال در اجرای آرای داوری بین المللی، شرط رفتار متقابل وجود ندارد. فرض کنید به اختلاف شرکت فرانسوی و شرکت ایرانی از طریق داوری در سوئیس رسیدگی شده و رأی صادر شده است و شرکت فرانسوی که محکوم شده است در کانادا دارای اموالی است و شرکت ایرانی می خواهد رأی داور را در کانادا علیه اموال شرکت فرانسوی اجرا نماید. دلیل اینکه کشور کانادا درخواست شرکت ایرانی را جهت اجرای رأی داور می پذیرد، حمایت داخلی از روش داوری بعنوان یکی از روش های حل و فصل اختلافات است و برای اینکه این حمایت ها کارآمد باشد مستلزم یکسری ترتیبات و هماهنگی های بین المللی برای شناسایی و اجرای آرای داوری است که این امر در حقوق تجارت بین الملل و داوری های بین المللی به کمک کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک صورت می گیرد. کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است که مهمترین سند بین المللی در شناسایی و اجرای آرای داوری است. سؤالاتی نیز ممکن است برای مخاطب پیش آید از جمله اینکه؛ آیا شناسایی و اجرای احکام خارجی ناظر بر همه موضوعات است؟ آیا شناسایی و اجرای احکام خارجی صرفا ناظر بر احکام مراجع قضایی است یا اینکه شامل مراجع شبه قضایی هم می شود؟ آیا شناسایی و اجرای احکام خارجی شامل قرار هم می شود یا اینکه صرفا در خصوص احکام است؟ در مقاله حاضر، شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه های خارجی در کشور ایران را که در چهارچوب حقوق بین الملل خصوصی است، مورد بررسی قرار خواهیم داد. در

این مقاله روش تحقیق، تلفیقی از روش کتابخانه ای و میدانی بوده تا موضوع علمی و کاربردی تبیین شود.

واژگان کلیدی: شناسایی، اجرای احکام، دادگاه، قوانین ایران، صلاحیت، تعارض قوانین

بخش اول: صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی

منظور از صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی این است که در قلمرو یک دادگاه داخلی در کشوری به جهت ارتباط با عناصر یا یک عنصر بین المللی در یک دعوی که در دادگاهی طرح شده است، تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه داخلی مطرح می شود. بنابراین بایستی یک عنصر خارجی یا همان عامل ارتباطی وجود داشته باشد تا بحث تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی مطرح شود. عنصر خارجی ممکن است ناشی از دخالت اتباع خارجی در دعوا باشد یا وجود یک حلقه ارتباطی با خارج از کشور. بعنوان مثال یک تبعه فرانسوی علیه یک تبعه ایرانی در دادگاه ایران طرح دعوا می نماید در این فرض عنصر خارجی (تبعه فرانسوی) وجود دارد و در نتیجه بحث تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی مطرح می شود و این مهم از موضوعات حقوق بین الملل خصوصی است. اما اگر طرفین دعوی ایرانی باشند و در دادگاه های ایران اقامه دعوی نموده باشند در این حالت عنصر خارجی یا همان عامل ارتباطی وجود ندارد و در نتیجه صلاحیت داخلی دادگاه های داخلی مطرح می شود نه صلاحیت بین المللی و این موضوع حقوق بین الملل خصوصی نیست.

بخش دوم: ممنوعیت اجرای قانون خارجی در بحث صلاحیت

در بحث قواعد تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی یک قاعده کلی وجود دارد. بدین شرح که دادگاه های داخلی هیچ کشوری نباید به دعوی رسیدگی کند که هیچگونه عامل ارتباطی با آن دولت و حاکمیت ندارد. بعنوان مثال اگر دو تبعه فرانسوی در دادگاه های ایران طرح دعوا نمایند و هیچگونه عامل ارتباطی با کشور ایران نداشته باشند یعنی

موضوع دعوی و سکونت طرفین در ایران نباشد در این حالت چون عامل ارتباطی با کشور ایران ندارند در نتیجه دادگاه های ایران نباید به این دعوا رسیدگی کنند. لازم به توضیح است؛ عامل ارتباطی یا همان عنصر خارجی به جهات گوناگونی می تواند وجود داشته باشد از جمله تابعیت، سکونت یا محل وقوع مال یا محل انعقاد قرارداد. بعنوان مثال مال منقول یا غیرمنقولی در کشور ایران وجود دارد و دو تبعه خارجی بدین جهت در دادگاه های ایران طرح دعوا می نمایند در این مثال عامل ارتباطی وجود مال منقول یا غیرمنقول در کشور ایران است و یا اینکه یکی از طرفین دعوی، ایرانی است لذا در این حالت عامل ارتباطی، تابعیت است فلذا در این موارد دادگاه ایران می تواند رسیدگی نماید.

نکته حائز اهمیت دیگر که ذکر آن خالی از لطف نیست این است که؛ در تعیین قواعد صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی باید توجه داشته باشیم که اجرای این قواعد نباید منتهی به اجرای قانون خارجی شود. به عبارت دیگر، دادگاه های ایران در رسیدگی به صلاحیت خود، نباید به اجرای قانون خارجی سمت و سوق پیدا کرده و بر اساس قانون خارجی تصمیم بگیرد و سپس به این نتیجه برسد که صلاحیت ندارد. فلذا از این رو در حقوق بین الملل خصوصی این مهم مطرح می شود که قواعد حل تعارض صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی یک سویه و امری هستند اما قواعد حل تعارض قوانین دو سویه می باشند. بنابراین در بحث قواعد تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی، محاکم صرفا بر اساس قوانین داخلی خود صلاحیت خویش را احراز می نماید نه بر اساس اجرای قوانین خارجی.^۱ ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران نیز در این خصوص بیان می دارد: «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود. مطرح بودن همان دعوی در محکه اجنبی رافع صلاحیت محکه ایرانی نخواهد بود.»^۲ بنابراین چنانچه دعوایی در دادگاه های ایران مطرح شود، دادگاه ایران صرفا بر اساس قواعد و مقررات ناظر بر صلاحیت داخلی بررسی خواهد کرد که آیا صلاحیت رسیدگی دارد یا خیر و نباید صلاحیت یا عدم صلاحیت خویش را بر اساس قانون کشور دیگری بررسی نماید که نتیجه آن اجرای قانون کشور خارجی در بحث صلاحیت باشد. به

۱- محاکم ایران در خصوص احراز صلاحیت خویش، بر اساس قانون داخلی که قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ می باشد عمل می کند. بحث صلاحیت در مواد ۱۰ الی ۲۵ قانون مرقوم ذکر شده است.

۲- رجوع کنید به مواد ۲۹۳ و ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران.

شرح پیش گفته شده، دادگاه ایران بایستی بر اساس قوانین داخلی (ماده ۹۷۱ ق.م و ماده ۱۱ و به بعد از ق. آ.د.م) بررسی کند که صلاحیت دارد یا خیر.

بخش سوم: عدم تاثیر اعمال صلاحیت دادگاه خارجی در صلاحیت دادگاه داخلی

اگر موضوعی در دادگاه خارجی در حال رسیدگی باشد و دادگاه مزبور خود را صالح بداند، مطرح بودن آن موضوع در دادگاه خارجی مانع از صلاحیت دادگاه داخلی نیست. به عبارت دیگر، دادگاه داخلی در تشخیص صلاحیت نه تنها به قانون خارجی نباید استناد کند بلکه مطرح بودن دعوی در دادگاه خارجی نباید مانعی برای عدم رسیدگی دادگاه داخلی باشد. بنابراین اگر یکی از طرفین دعوی در دادگاه ایرانی، ایراد امر مطروحه نماید و بگوید این دعوی در فلان دادگاه خارجی در حال رسیدگی است، دادگاه ایرانی نباید به این ایراد ترتیب اثر دهد. اما در حقوق داخلی ایران می توان ایراد امر مطروحه نمود که در صورت وجود شرایط مقرر، دادگاه قرار امتناع از رسیدگی صادر و پرونده به شعبه ای که دارای سبق ارجاع است، ارسال می شود تا در آن شعبه به نحو توأمان رسیدگی شود و اگر هر دو پرونده در یک شعبه باشد، قرار رسیدگی توأمان صادر می شود.^۱ لکن همانگونه که بیان شد در صلاحیت بین المللی، مطرح بودن دعوایی در یک دادگاه خارجی مانع از صلاحیت دادگاه داخلی نخواهد بود.

بخش چهارم: ممنوعیت عدم صلاحیت به شایستگی یک مرجع خارجی

در نظام های داخلی کشورها چنانچه دادگاهی که دعوا در آنجا طرح شده است خود را صالح نداند قرار عدم صلاحیت به شایستگی مرجع صالح صادر و پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید.^۲ اما در بحث صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی چنین قاعده ای وجود ندارد. به تعبیر بهتر، در صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی نیز تشخیص صلاحیت با دادگاه داخلی است اما چنانچه دادگاه مزبور خود را صالح نداند، نمی تواند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع صالح ارسال نماید بلکه صرفا باید اعلام عدم

۱ - رجوع کنید به بند ۲ از ماده ۸۴ قانون آ.د.م ایران

۲ - رجوع کنید به ماده ۲۷ قانون آ.د.م ایران

صلاحیت نماید و نمی تواند مرجع صالح را نیز تعیین کند.^۱ بعنوان مثال؛ دعوایی در شعبه ۵۵ مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران علیه شرکت آلمانی مطرح شده است، دادگاه خود را صالح ندانسته و با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دیوان بین المللی لاهه ارسال می نماید. در این حالت قاضی شعبه ضمن صدور قرار عدم صلاحیت، مرجع صالح را نیز تعیین نموده است که به شرح پیش گفته شده، در صلاحیت بین المللی، دادگاه داخلی صرفا بایستی عدم صلاحیت خود را اعلام نماید و نمی تواند ضمن عدم صلاحیت، مرجع صالح را نیز تعیین نماید. لازم به توضیح است، همانگونه که نویسندگان حقوق بین المللی خصوصی اذعان داشته اند، قواعد ناظر بر صلاحیت بین المللی از قواعد امری است و بدین جهت نمی توان بر خلاف آن توافق کرد. بعنوان مثال؛ در یکی از بندهای قرارداد فی مابین تبعه ایرانی و تبعه فرانسوی شرط شده است که در صورت حدوث اختلاف، دادگاه فرانسه رسیدگی خواهد کرد. اگر پس از حدوث اختلاف، تبعه ایرانی در دادگاه ایران طرح دعوی نماید، قاضی دادگاه ایرانی بایستی به این شرط ترتیب اثر داده و طرفین را به دادگاه فرانسه هدایت نماید بلکه دادگاه ایرانی بایستی طبق قانون ایران، تشخیص دهد که صلاحیت دارد و یا خیر و اگر صلاحیت بین المللی داشت (وجود حلقه ارتباطی) رسیدگی خواهد کرد و دادگاه صالح نیز بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران تعیین می شود (صلاحیت محلی). چرا که به شرح پیش گفته شده، قواعد صلاحیت بین المللی، امری است و نمی توان بر خلاف آن توافق کرد و در صورت توافق، شرط و توافق بی اعتبار خواهد بود. بر امری بودن قواعد صلاحیت بین المللی استثنایی وارد شده است و آن هم شرط داوری است. توضیح آنکه؛ در قرارداد، شرط داوری شده و داور را نیز تعیین نموده اند که در این صورت اگر دعوا در دادگاه طرح شود، دادگاه بایستی با توجه به شرط داوری، قرار عدم استماع صادر نماید. بعنوان مثال؛ در قرارداد فی مابین شرکت ایران خودرو و شرکت پژو فرانسه شرط شده است که کلیه اختلافات ناشی از این قرارداد از طریق دیوان داوری بین المللی لندن رسیدگی شود. در این حالت در صورتی که دعوا در دادگاه ایران طرح شود، دادگاه ایرانی بایستی به شرط داوری ترتیب اثر داده و قرار عدم استماع صادر نماید. بنابراین در دعاوی بین المللی

۱- منظور از عدم صلاحیت بین المللی دادگاه داخلی یعنی عدم وجود حلقه ارتباطی یا همان عنصر خارجی با دولت یا حاکمیت کشور مقر دادگاه و صلاحیت محلی نیز بر اساس قانون داخلی یعنی مواد ۱۱ و به بعد قانون آ.د.م ایران تعیین می شود.

توافق طرفین در تعیین مرجع صالح فاقد اعتبار است به استثنای شرط داوری.

بخش پنجم: تعیین قانون صالح (تعارض قوانین)

پس از تعیین دادگاه صالح به شرح پیش گفته شده، سوالی که پیش می آید تعیین قانون صالح است. در مثال قبلی، آیا قانون فرانسه صالح است یا قانون ایران؟ در اینجا بحث تعارض قوانین مطرح می شود. و سابقاً بیان شد که بحث تعارض قوانین دوسویه می باشد. در این موارد و بر اساس حقوق بین الملل خصوصی بایستی به قواعد حل تعارض قوانین ملی مراجعه کنیم. صدر ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در بحث تعارض قوانین، قانون محل وقوع عقد را قانون صالح می داند. اما دو استثناء بر این قاعده وارد شده است که عبارت است از؛ قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی و مواد ۶ و ۷ قانون مدنی در خصوص احوال شخصیه^۱. برای تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه در حقوق موضوعه کشورهای مختلف، معمولاً دو عامل مورد توجه قرار می گیرد: یکی اقامتگاه و دیگری تابعیت. بعضی دولت ها اقامتگاه و بعضی دیگر تابعیت را برگزیده اند^۲. نکته قابل توجه در خصوص احوال شخصیه بیگانگان این است که بیگانه در کشور میزبان از حقوقی بهره مند می شود که دولت متبوع وی آن را پذیرفته باشد، در غیر این صورت بیگانه حق بهره مندی از حقوق مربوط به احوال شخصیه کشور محل اقامت را ندارد. این مطلب در بند ۲ ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران نیز تصریح شده است^۳. قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در بحث از قواعد حل تعارض اجازه تعیین قانون حاکم را به متعاقدين می دهد و چنین شرطی معتبر است به این دلیل که بحث تعارض قوانین بر خلاف تعارض صلاحیت بین المللی دادگاه های داخلی دوسویه بوده و از قواعد امری نمی باشد^۴. بعنوان مثال، دو تبعه بیگانه قراردادی را در ایران منعقد نموده و در قرارداد شرط می شود که قانون حاکم بر اختلاف، قانون ایران یا قانون امارات باشد لذا چنین شرطی به استناد قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران معتبر است و دادگاه ایران بر اساس قانون امارات یا قانون ایران حسب مورد که قانون حاکم بر دعوا می باشد رسیدگی

۱- رجوع کنید به قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱

۲- الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳

۳- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات دادگستر، جلد دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۲۳.

۴- ماده ۹۶۸ ق.م. «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»

خواهد کرد. طبق ظاهر ماده فوق، در صورتی می توان قانون حاکم را طبق اصل حاکمیت اراده تعیین نمود که طرفین قرارداد، هر دو خارجی باشند. بنابراین در صورتی که یکی از طرفین ایرانی باشد، قرارداد تابع قانون ایران خواهد بود و توافق بر خلاف آن معتبر نخواهد بود.^۱ در خصوص امری یا تخییری بودن قاعده مندرج در ماده ۹۶۸ قانون مدنی متعاقبا توضیح داده خواهد شد. در مورد احوال شخصیه، قانون ملی اعمال خواهد شد. شایان ذکر است شرط تنفیذ و شناسایی احکام مربوط به احوال شخصیه مانند طلاق صادره از دادگاه های خارجی آن است که قانون ایران در رسیدگی لحاظ شده باشد یعنی رعایت ماده ۶ قانون مدنی از باب لزوم تبعیت از قانون ایران در رسیدگی بر احوال شخصیه ایرانیان از ناحیه دادگاه خارجی. بنابراین اگر زوجین ایرانی که در آمریکا اقامت دارند در دادگاه آمریکا دعوای طلاق را مطرح کنند و دادگاه آمریکا به موجب قانون آمریکا (کشور آمریکا در خصوص احوال شخصیه قانون محل اقامتگاه را اعمال می کند) حکم طلاق را صادر کند دادگاه ایران به این دلیل که در خصوص احوال شخصیه قانون دولت متبوع که در این فرض می شود قانون ایران، حاکم است، حکم طلاق را غیرقابل شناسایی اعلام خواهد کرد. مصادیق احوال شخصیه در ماده ۶ قانون مدنی آمده است و از نظر حقوق ایران، امور مالی راجع به حقوق خانوادگی مانند ارث، وصیت، مهریه و نفقه نیز جزء احوال شخصیه است.^۲ بنابراین اگر زوجین فرانسوی که در ایران اقامت و سکونت دارند و اختلاف خانوادگی خویش را در دادگاه ایران مطرح می نمایند چون حلقه ارتباطی وجود دارد از این رو دادگاه ایران صلاحیت دارد و اما از حیث قانون صالح، بدین جهت که احوال شخصیه است، قواعد حل تعارض ایران، قانون دولت متبوع یعنی قانون فرانسه را صالح می داند. فلذا دادگاه ایران بر اساس قانون فرانسه به اختلاف زوجین رسیدگی خواهد کرد. لازم به ذکر است، ارائه قانون حاکم بر دعوی، بر عهده خواهان می باشد و خواهان بایستی رونوشت ترجمه رسمی قانون حاکم را به محکمه ارائه دهد. اتباع افغانی ساکن در ایران هم اصولا در مسائل احوال شخصیه تابع دولت متبوع خود هستند مگر این که تابع مقررات مربوط به کنوانسیون پناهندگان مصوب سال ۱۳۵۵ بوده و از مصادیق پناهنده باشند که در این صورت طبق

۱- رجوع کنید شرح مذاکرات قانون مدنی، صص ۳۳۷، ۳۳۸، ۴۳۵ و ۴۳۶.

۲- رجوع کنید به اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

ماده ۱۲ این کنوانسیون، احوال شخصیه پناهنده تابع قانون محل اقامت وی خواهد بود.^۱ به نظر می‌رسد ماده ۹۶۸ قانون مدنی تخییری است. همانگونه که ذکر شد ماده مزبور در بحث تعارض قوانین، قانون محل وقوع قرارداد را قانون صالح می‌داند و سپس بر این قاعده استثناء زده و می‌گوید که اگر متعاقدين اتباع خارجه باشند می‌توانند قانون دیگری را حاکم بدانند. بر اساس ظاهر ماده فوق، در صورتی که طرفین قرارداد هر دو خارجی باشند، طبق اصل حاکمیت اراده، طرفین می‌توانند در انتخاب قانون حاکم تراضی نمایند. بعنوان مثال؛ شرکت فرانسوی با شرکت چینی در کشور امارات قرارداد احداث پروژه در کشور ایران را منعقد می‌نمایند. پس از مدتی در اجرای این قرارداد اختلاف پیش آمده و به دادگاه ایران مراجعه می‌نمایند. دادگاه ایران بدین جهت که محل اجرای قرارداد در ایران است صلاحیت دارد اما در مورد قانون حاکم بر قرارداد، دادگاه ایرانی بایستی قواعد حل تعارض ملی خودش را اعمال کند. در این حالت ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران قانون محل وقوع قرارداد را صالح می‌داند بنابراین در این مثال دادگاه ایران بر اساس قانون امارات رسیدگی خواهد کرد اما اگر متعاقدين در قرارداد خود، قانون فرانسه را بعنوان قانون حاکم بر قرارداد تعیین نموده باشند در این حالت طبق قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی، قانون فرانسه حاکم خواهد بود. اما اگر یکی از طرفین قرارداد تبعه ایران باشد آیا می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد را تعیین نمایند؟ قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی بیان می‌دارد که "متعاقدين اتباع خارجه بوده" اما اگر یکی از طرفین ایرانی باشد چگونه؟ برخی از نویسندگان حقوق بین‌الملل خصوصی، قاعده مندرج در ماده مزبور را تخییری می‌دانند یعنی متعاقدين اعم از اینکه هر دو خارجی و یا یکی از آنها ایرانی باشد، می‌توانند قانون حاکم بر تعهدات قراردادی خود را انتخاب کنند و اگر قانون حاکم را تعیین نکرده باشند در این صورت طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی قانون محل وقوع عقد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی خواهد بود.^۲ اما برخی از نویسندگان دیگر معتقدند که قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی بر امری بودن ماده دلالت دارد و در نتیجه اگر یکی از طرفین قرارداد ایرانی باشد، قرارداد الزاماً تابع قانون ایران خواهد بود و نمی‌توانند بر خلاف آن توافق نمایند.^۳ برخی از محاکم نیز اعتقاد به

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۸ مورخ ۱۳۷۵/۱/۲۹.

۲- الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۲، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۳- بیات، فرهاد، شرح جامع حقوق مدنی، انتشارات ارشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۶، ص ۵۱۸.

امری بودن ماده مزبور دارند و دلیلش را منافع اتباع ایرانی قرار داده اند. یعنی اگر یکی از طرفین ایرانی باشد، قانون ایران حاکم است ولو اینکه در قرارداد قانون حاکم را تعیین کرده باشند.

بخش ششم: شناسایی و اجرای احکام خارجی

در تمامی نظام های حقوقی، اصولاً احکام صادره از دادگاه های خارجی در قلمرو کشور دیگری قابل شناسایی و اجرا نیست. به عبارت دیگر، احکام صادره از دادگاه های داخلی هر کشوری در قلمرو همان کشور قابل شناسایی و اجرا است مگر اینکه احکام خارجی در نظام داخلی آن کشور یعنی کشور محل اجرای حکم استحال شود یعنی حکم خارجی در نظام داخلی کشور محل اجرا حل شود که این حل شدن مکانیسمی دارد تحت عنوان شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی که در تمامی نظام های حقوقی دنیا به این شکل است. قاعده فوق الذکر در ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران نیز آمده است که این ماده بیان می دارد: «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده در خارجه را نمی توان در ایران اجرا نمود، مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.» منظور از قوانین ایران یعنی مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ رای خارجی بایستی مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین اصل بر این است که احکام صادره از دادگاه های خارجی در کشور ایران قابل اجرا نیست مگر اینکه مطابق قانون اجرای احکام مدنی و تشریفات که در قانون مرقوم بیان شده است این رای مورد شناسایی قرار گیرد.

لازم به توضیح است، شناسایی و اجرا متفاوت از یکدیگر می باشند. شناسایی یعنی اعتبار بخشیدن و به رسمیت شناختن یک رای. اجرا یعنی رأیی که مورد شناسایی قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است را اجرا می کنیم. لذا اجرا فرع بر شناسایی است و تا زمانی که رای خارجی شناسایی و تنفیذ نشود، قابل اجرا نخواهد بود. اما شناسایی الزاماً منتهی به اجرا نمی شود یعنی ممکن است منتهی به اجرا شود و ممکن است نشود. مانند طلاق که مطابق قانون ملی ایران در کشور خارجی صادره شده است و در همان کشور خارجی نیز توسط سفارتخانه ایران و مبلّغ دینی اجرا شده است و اینک تقاضای شناسایی آن در دادگاه های ایران شده است یعنی صرفاً اعتبار بخشیدن به رای طلاق نه اجرای آن. یا مثلاً در خصوص بی اعتباری سندی در دادگاه فرانسه حکم صادر شده است و اینک محکوم له آن

حکم، تقاضای شناسایی آن را در دادگاه های ایران نموده است. یعنی صرفاً اعتبار بخشیدن و به رسمیت شناختن آن حکم و در این مورد نیازی به اجرا نیست. در این خصوص به یک نمونه رأی اشاره می گردد: رأیی در خصوص شناسایی و تنفیذ حکم طلاق صادر شده از دادگاه خارجی که شعبه اول دادگاه خانواده شهرستان ساری طی دادنامه شماره ۹۹-۲۱۰۲-۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۳۰ به دلیل اینکه اساساً طلاق شرعی میان زوجین صورت نگرفته تا اثبات آن خواسته شود مستنداً به ماده ۶ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام نموده است.

پرونده پس از تجدیدنظرخواهی به شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران ارجاع شده و دادگاه تجدیدنظر، تجدیدنظرخواهی را به دلایل زیر وارد دانسته است:

رأی تجدیدنظر

«..... نخست اینکه: یکی از حقوق بنیادین بشر، حق دادخواهی است که اشخاص می توانند در جهت احقاق حق و یا فصل خصومت به دادگاه های صالحه مراجعه نمایند آنچنان که در اسناد داخلی و بین المللی حقوق بشر از جمله اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ قاهره و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که دولت ایران در سال ۱۳۵۴ آن را بدون حق شرط یا اعلامیه تفسیری به تصویب شورای ملی وقت رسانید که وفق ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون داخلی است، بدان حق تصریح و تاکید شده است. همچنان که بیگانگان نیز همانند اتباع داخلی، حق مراجعه به محاکم قضایی هر کشوری را دارند، تجدیدنظرخواه(زوجه) نیز، در جهت فصل خصومت به محکمه قضایی ایالت متحده آمریکا مراجعه نموده و در راستای حق دادخواهی و فصل خصومت اقدام نموده است. دوم اینکه: اگرچه بر اساس قاعده ایرانی تعارض قوانین، درباره احوال شخصیه از جمله جهات ماهوی طلاق زن و شوهرهای ایرانی، مقیم کشورهای بیگانه که در همان کشورها به طرح دعوی طلاق مبادرت می نمایند تابع قانون کشور متبوع آنها(ایران) است. چرا که حقوق بین الملل خصوصی ایران، صلاحیت قانون دولت متبوع هرکس را درباره او اعلام نموده و مواد ۶ و ۷ قانون مدنی، ایرانیان مقیم خارجه را از حیث طلاق مطیع قانون ایران و بیگانگان مقیم ایران را، مطیع قانون دولت متبوع خود شناخته است. اگرچه

در نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا، قاعده اعمال قانون اقامتگاه حاکم است که بر هیمن اساس قاضی دادگاه خارجی، قانون ایالت کلرادو را اجرا نموده، اما با ملاحظه رأی دادگاه داگلاس ایالت کلرادو، شماره پرونده ۰۰۹۴۲۲۰۸ DR مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۹، رای صادره از سوی آن دادگاه، هیچ تعارض و مبادینتی با قوانین ماهوی ایران ندارد، چرا که قاضی دادگاه خارجی (دادگاه داگلاس) با عدم حضور خوانده (زوج) در جلسه دادگاه و عدم ارائه مدرک از سوی وی که خودداری نمود، از این رو در خصوص اموال و یک سری مرادفات مالی زوجین، اتخاذ تصمیم نمود و قید این عبارت از سوی آن دادگاه، مبنی بر اینکه خواهان (زوجه) نشان می دهد که طلاق را در ایران نیز دنبال خواهد نمود نیز مناقاتی با حکم صادره ندارد چرا که در این مرحله از رسیدگی وکیل تجدیدنظرخواه (زوجه)، در خصوص چگونگی وضعیت کلی موکل خود و نحوه متارکه آنها، از جمله حقوق مالی زوجه رفع ابهام نموده است. سوم اینکه: یکی از شرایط اصلی جهت اجرای احکام خارجی، قطعی بودن آن است. زیرا آنچنانکه در بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ تصریح دارد، حکم در کشوری که صادر شده باید قطعی و لازم الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. کما اینکه در متن دادنامه دادگاه خارجی (دادگاه داگلاس) و مدارک ارائه شده از سوی زوجه، قطعیت حکم محرز بوده و زوج نیز ادله ای دال بر بی اعتباری حکم دادگاه خارجی ارائه ننموده است. از سویی اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷۱۳۳۱۹ مورخ ۶۰/۸/۲۳ تصریح دارد که در صورتی که نسبت به حکم دادگاه خارجی، در مورد طلاق در مهلت قانونی اعتراضی نرسیده باشد، ثبت آن بلاشکال است. چهارم اینکه: بر اساس بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶، مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، که حکم صادره از دادگاه داگلاس (آمریکا) نیز برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نمی باشد. پنجم اینکه: اگر چه وکیل تجدیدنظرخواه (زوجه) می بایستی بر اساس ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده ایران، درخواست تنفیذ طلاق را می کرد حال اینکه وی در دادخواست، خواسته اش را تأیید اثبات طلاق اعلام نموده اما با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و اخذ توضیحات از وکیل زوجه و چنین استنباط می شود که در واقع زوجه خواسته واقعی اش، همان تنفیذ حکم طلاق بوده که در پی جدایی موکل از همسرش در آن کشور اتفاق افتاده است. چرا که پس از تقدیم دادخواست طلاق، بر اساس قانون ایالت کلرادو، زوج حق ندارد ۳۰۰ متر نزدیک خواهان

(زوجه) سکونت داشته باشد که نشان دهنده آن است که بین طرفین جدایی واقع شده است و عملاً در آن کشور رابطه زوجیت گسیخته شده است. ششم اینکه: یکی از اصول مهم حقوق بین الملل عمومی و خصوصی، حق مکتسبه است، چرا که هنگامی که دادگاه خارجی، حکمی را صادر کرده بدین معناست که دادگاه خارجی، حقی را برای شخصی ایجاد کرده در نتیجه این حکم قابل احترام و مستلزم اجرای آن در کشورهای دیگر می باشد که تجدیدنظرخواه نیز بعنوان ذینفع، با توجه به اصل آزادی اراده، چنین نموده است. هفتم اینکه: اگرچه بر اساس قواعد حقوق بین الملل خصوصی ایران، در شناسایی و اجرای احکام خارجی از روش شناسایی محدود استفاده نموده، از ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ و ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱، اصل بر عدم قابلیت اجرای احکام خارجی است مگر اینکه درخواست تنفیذ و اثبات وقوع امر طلاق را بخواهد. با توجه به ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران که صدور دستور اجرای حکم مطابق قوانین ایران را برای اجرا حکم خارجی لازم میداند، باید قائل شد که قاضی دادگاه ایرانی در مواقع رسیدگی به تقاضای اجرای حکم خارجی، باید صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی را، مطابق قواعد حقوق بین الملل خصوصی ایران احراز نماید. هشتم اینکه: با توجه به اختلافات فی مابین و اینکه در ایالات متحده آمریکا، زن و مرد ایرانی از هم متارکه نمودند و حتی بر اساس قانون آن کشور زوج نمی تواند به آن نزدیک شود که نشان دهنده این است که زوج بر خلاف اینکه اصرار بر عدم وقوع طلاق داشته و خواهان زندگی با همسرش می باشد، اراده واقعی برای ادامه زندگی ندارد، چرا که خود آگاه است که عملاً بین آنها هیچ رابطه جسمی و عاطفی وجود ندارد. ضمن اینکه فاصله دو هزار کیلومتری محل اقامت آنها در دو ایالت جداگانه (کلرادو و تگزاس)، موید این موضوع است و اصرار وی بر ادامه زندگی، نوعی سوءاستفاده از حق و عدم پابندی به اصل حسن نیت بوده، آنچنانکه بر اساس قاعده فقهی لاضرر در اسلام، موضوع اصل ۴۰ قانون اساسی اسلامی ایران بر عدم سوءاستفاده از حق تاکید دارد، کماینکه اعمال قاعده ممنوعیت از سوء استفاده از حق، در تمام اسناد بین المللی حقوق بشر از جمله بند ۳ ماده ۲۹ و ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ماده ۵ میثاقین بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مورد تاکید قرار گرفته است. ضمن اینکه ممنوعیت سوءاستفاده از حق، یک قاعده عمومی است که بعنوان اصلی از اصول

عمومی، مورد قبول ملتهای متمدن شناخته شده که وجدان قضایی همه ملتها، آن را پذیرفته اند. اما زوج در جهت سوءاستفاده از اعمال و اجرای حق خود(حق طلاق) خودداری می نماید. اگرچه زوجین همچنان ساکن ایالات متحده آمریکا هستند و امکان حضور آنها در این دادگاه نبوده ولیکن این دادگاه با اخذ توضیحات از وکلای آنها بخصوص وکیل زوج در می یابد که زوجین بیش از یکسال از هم جدا و حسب ادعای وکیل زوجه، زوج در ایالت تگزاس که در فاصله دو هزار کیلومتری ایالت کلرادو قرار دارد سکونت دارد، از این رو زوجین هیچ رابطه جسمی و عاطفی ندارند. از سویی وکیل زوج هم با داشتن وکالت در بذل مهریه، در این دادگاه حاضر شده که از ۱۳۶۵ عدد سکه بهار آزادی بابت مهریه، تعداد ۱۲۹۵ عدد سکه را در قبال اجرای صیغه طلاق بذل نموده و فقط ۷۰ عدد سکه را دریافت نماید. و در خصوص دیگر حقوق هم ادعایی ندارد. زوجین فرزند مشترکی ندارند. از این رو حکم صادره از دادگاه خارجی قطعی، به منزله گواهی عدم سازش است. در نتیجه زوجه در راستای ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ به نوعی درخواست تنفیذ آن را نموده است. نهم اینکه: زوجین سالها مقیم ایالت متحده آمریکا بوده و هیچ یک در این مدت به ایران مراجعت نموده، جنبه های مصلحت گرایانه حقوق، چنین اقتضا دارد که ارتباط هر فرد با کشوری که در آنجا اقامت دارد، بیش از ارتباط او با کشور اصلی خود می باشد، بی اعتبار تلقی کردن حکم طلاق صادره از آمریکا، نوعی سردرگمی را به همراه خواهد داشت حال اینکه از نظر قانون ایالت کلرادو، بین زوجین به صورت قطعی طلاق واقع شده است، پس اقتضا دارد که در تعارض قوانین، بیش از مصالح سیاسی، مصلحت حقوقی و اجتماعی و منافع اشخاص، باید مدنظر قرار گیرد که مصلحت این نیست، زوجین سالها در کشور بیگانه بلامتکلیف باشند. دهم اینکه: اقدام زوجه مبنی بر درخواست طلاق از محکمه خارجی، تقلب نسبت به قانون و برای فرار از قانون متبوع خود نبوده، چرا که چنین درخواستی از سوی زنان هم در دادگاه ایران، میتواند مطرح که در صورت وجود شرایط مندرج در قانون ایران، از جمله مفارقت جسمانی و طلاق عاطفی و عسر و حرج، زن هم می تواند طلاق بگیرد. افزون بر آن اقدام زوجه بر اساس اصل حسن نیت و دکرترین دستهای پاک (CLEAN HANDS) بوده که با توجه به شرایط بوجود آمده، ناگزیر به اقامه دعوی در آن کشور جهت فصل خصومت شده است. با استدلالات بعمل آمده به استناد ماده ۳۵۸ و ۳۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی با نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته مستندا به ماده ۱۰۳۰ و

تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و مواد ۲۶ و ۱۵ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱، با توجه به بذل تعداد ۱۳۹۵ سکه از کل مهریه و مفارقت جسمانی و طلاق عاطفی، با اصلاح حکم طلاق صادره در آمریکا، به طلاق خلع، حکم به تنفیذ طلاق صادره از دادگاه داگلاس ایالت کلرادو را صادر و اعلام می گردد. رأی صادره مستنداً به بند الف ماده ۳۶۸ و ماده ۳۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان محترم عالی کشور می باشد.»

بنابراین اگر مورد تقاضا از موضوعاتی باشد که صرفاً بایستی شناسایی شود، خواسته خواهان می شود؛ تقاضای شناسایی و تنفیذ و اگر علاوه بر شناسایی، اجرا هم لازم باشد مانند مطالبه وجه در این صورت خواسته می شود؛ تقاضای شناسایی و اجرای رأی. مستفاد از مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی ایران مصوب ۱۳۵۶ شناسایی و اجرای احکام خارجی بایستی در قالب درخواست باشد نه دادخواست اگرچه در عمل دفاتر خدمات قضایی در قالب دادخواست تنظیم می نمایند، اما چون بر اساس قانون مذکور، در قالب درخواست است بنابراین مستلزم رعایت تشریفات دادخواست از جمله تکمیل دادخواست و هزینه دادرسی و وقت رسیدگی نمی باشد. ضائم درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی آمده است.^۱ لازم به توضیح است اگر رأی خارجی غیابی صادر شده باشد به نظر، طبق ظاهر بند ۴ از ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه ایران نبایستی آن را شناسایی کند اما در خصوص کشور امارات چون موافقت نامه در خصوص شناسایی و اجرای احکام با ایران دارد، آمده است که رأی غیابی نیز قابل شناسایی و اجرا است اما بایستی مدارک دال بر ابلاغ صحیح پیوست

۱- ماده ۱۷۳ ق.ا.ا.م: «به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود:

۱- نسخه ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی. ۲- رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیت دار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن. ۳- گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار. ۴- گواهی امضاء نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه.

درخواست شناسایی و اجرا شود.^۱

بخش هفتم: مرجع صالح برای درخواست شناسایی و اجرای احکام خارجی

بر اساس ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی ایران مرجع تقاضای اجرای حکم، دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است. بنابراین اگر رأیی علیه شخصی که ساکن اصفهان است از دادگاه ترکیه صادر شده باشد، محکوم له رای خارجی جهت شناسایی و در صورت لزوم اجرا، بایستی به دادگاه اصفهان مراجعه نماید و طبق قسمت اخیر ماده مذکور، اگر محکوم علیه ساکن ایران نباشد، دادگاه عمومی تهران صالح خواهد بود.

بخش هشتم: تصمیم دادگاه در خصوص شناسایی و اجرای حکم خارجی

زمانی که درخواست شناسایی و اجرا به دادگاه مطرح می شود، دادگاه بایستی دو موضوع را بررسی کند؛ ابتدا شرایط شکلی (ماده ۱۷۳ ق.ا.ا.م) و پس از احراز شرایط شکلی، شرایط ماهوی (ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م) را بررسی نموده و سپس تصمیم خواهد گرفت. اگر تصمیم دادگاه، شناسایی و اجرا باشد در این صورت دادگاه بدوی در وقت فوق العاده قرار قبولی تقاضا و لازم الاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجرا می دهد، قرار مذکور قطعی است. البته چنانچه دستور اجرای حکم بر خلاف شرایط مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی صادر شده باشد، با توجه به اینکه شناسایی و اجرا آرای خارجی در قالب دستور است لذا قابل عدول است و در نتیجه اگر قاضی متوجه اشتباه خود شود می تواند عدول کند و چنانچه عدول ننمود، محکوم علیه می تواند به استناد ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی درخواست ابطال اجراییه را نماید. اما اگر تصمیم دادگاه رد درخواست باشد، مبادرت به صدور قرار رد درخواست نموده و قرار مذکور با ذکر علت آن، به متقاضی ابلاغ می شود. قرار مذکور غیرقطعی بوده و مشارالیه ظرف مهلت ده روز می تواند در دادگاه تجدیدنظر استان اعتراض نماید. (ماده ۱۷۵ ق.ا.ا.م). دادگاه تجدیدنظر در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی

۱- ماده ۲۴ قانون تصویب موافقتنامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰: «تقاضای شناسایی و اجرا حکم باید با مدارک زیر باشد:..... بند ج- در مورد احکام غیابی، تصویر مصدق ابلاغیه ها یا سایر مدارکی که نشان دهد ابلاغ طبق مقررات به خواننده صورت گرفته است.»

نموده و اگر اعتراض را وارد دانست، خود دادگاه تجدیدنظر رأی را شناسایی و دستور اجرای آن را می دهد و دادگاه تجدیدنظر استثنائاً اجراییه را صادر و سپس اجراییه را به دادگاه بدوی ارسال می نماید. اما اگر اعتراض را وارد ندانست، رأی بدوی را تأیید می نماید. رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی است و قابل فرجام خواهی نخواهد بود. (ماده ۱۷۶ ق.ا.ا.م). شایان ذکر است اگرچه طبق قانون (ماده ۱۷۵ ق.ا.ا.م) مهلت اعتراض ده روز است اما بر خی دادگاه ها همان مهلت بیست روز مندرج در ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی را قبول دارند.

بخش نهم: شرایط ماهوی برای درخواست شناسایی و اجرای احکام خارجی

شرایط شکلی همانگونه که ذکر شد در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی آمده است که دادگاه ایرانی پس از احراز شرایط شکلی، سراغ شرایط ماهوی مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی خواهد رفت که به شرح ذیل می باشد:

ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی: «احکام مدنی صادره از دادگاه های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجرا است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

۱- حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای احکام صادره از دادگاه های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.

۲- مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.

۳- اجرای حکم مخالف با عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

۴- حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۵- از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

۶- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.

۷- حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸- دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.^۱ بنابراین دادگاه ایرانی بایستی علاوه بر شرایط شکلی مندرج در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی، شرایط ماهوی مندرج در ماده ۱۶۹ قانون موصوف را نیز احراز نماید. بند اول ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا اشاره به شرط رفتار متقابل دارد. لذا اگر رأی خارجی از دادگاه ایران درخواست شناسایی و اجرا شود، دادگاه ایرانی اولین شرط ماهوی که باید توجه کند شرط رفتار متقابل از ناحیه دادگاه صادر کننده رأی خارجی است.

رفتار متقابل ممکن است ناشی از قانون ملی کشور صادرکننده حکم خارجی باشد. یعنی در قانون داخلی کشور مزبور، شناسایی و اجرای آرای دادگاه های ایرانی نیز پیش بینی شده است. البته لازم نیست که در قانون داخلی آنها صراحتاً آمده باشد که آرای دادگاه های کشور ایران قابل شناسایی است، بلکه مانند ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران، آنها نیز چنین ماده ای داشته و عبارت رفتار متقابل را قید کرده باشند.

هم چنین رفتار متقابل ممکن است ناشی از قرارداد باشد.^۲ موافقت نامه های دو جانبه ای که کشور ایران با کشورهای دیگر در خصوص معاضدت های حقوقی و قضایی منعقد نموده است.^۳

دادگاه ایرانی پس از احراز بند اول ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا بایستی سراغ بند دوم یا شرط دوم ماده مزبور برود. بند دوم می گوید که مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. بنابراین چنانچه حکم خارجی مخالف با نظم عمومی ایران و یا اخلاق حسنه باشد، دادگاه ایران باید از شناسایی و اجرای آن خودداری نماید. ماده ۹۷۵ قانون مدنی صریحاً بیان می دارد: «محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت

۱- ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا بر اساس ماده ۹۷۲ ق.م.ا است که منظور از قسمت اخیر ماده ۹۷۲ قانون مدنی، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی است.

۲- موافقتنامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.

۳- موافقت نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ در خصوص شناسایی و اجرای آرای قضایی. - هم چنین با کشورهای اوکراین و کویت و روسیه و سوریه و....

دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود، به موقع اجرا گذارد، اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.^۱ نظم عمومی بین المللی با نظم عمومی داخلی متفاوت است. نظم عمومی داخلی به معنای رعایت قواعد امری است چرا که قواعد امری به منظور حفظ منافع عمومی بوده و اراده افراد نمی تواند آن را نقض نماید. در نتیجه عدم رعایت قواعد امری، به معنای مخالفت با نظم عمومی خواهد بود و دادگاه ها به قراردادهایی که مخالف با نظم عمومی یعنی مخالف قواعد امری باشد ترتیب اثر نخواهند داد. یکی از حقوقدانان، نظم عمومی بین الملل را این گونه تعریف می نماید: «مجموع سازمانها و قواعدی است که آن چنان به اصول تمدن و نظام حقوقی یک کشور بستگی دارد که دادگاههای آن کشور ناچارند اجرای آنها را بر اجرای قانون خارجی مقدم بشمارند اگرچه قانون مزبور مطابق قواعد عادی حل تعارض قانون صلاحیت دار باشد.»^۲

ضابطه تشخیص نظم عمومی و اخلاق حسنه این است که قاضی از خود بپرسد که اگر این دعوی و اختلاف در کشور ایران مطرح شده بود آیا دادگاه ایرانی این اختلاف و دعوی را به رسمیت می شناخت یا خیر؟ اگر جواب مثبت بود یعنی خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نیست اما اگر پاسخ منفی بود یعنی بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است. بعنوان مثال، در کشور فرانسه معامله ای مبنی بر خرید و فروش مشروبات الکلی صورت گرفته است و فروشنده دادخواست مطالبه ثمن معامله را تقدیم دادگاه فرانسه می نماید حالیه اگر چنین دعوایی در دادگاه ایران مطرح شود آیا دادگاه ایران چنین دعوایی را قبول می کرد؟ قطعاً جواب منفی است چرا که قرارداد مبتنی بر موضوع نامشروع بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران است و دادگاه ایرانی چنین دعوایی را رد خواهد کرد. بنابراین اگر در دادگاه ایران نیز درخواست شناسایی و اجرای آن شود دادگاه ایران به دلیل مذکور و به استناد بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران درخواست شناسایی و اجرا را رد خواهد کرد. در این خصوص به یک نمونه رأی اشاره می گردد:

۱- رجوع کنید به ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی.

۲- الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱.

چکیده: احکام حقوقی دادگاه های خارجی، در صورتی که مفاد آن با نظم عمومی و یا اخلاق حسنه مخالف نباشد، در ایران قابل اجرا است.

دادنامه شماره ۱۰۰۰۵۸۱/۹۳۰۹۹۷۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۱

رأی بدوی

«در خصوص دادخواست شرکت م. به نمایندگی آقای ح.س و غ.ق به وکالت الف.ج به طرفیت ۱-م. ۲-الف. ۳-ع.م به خواسته تقاضای صدور قرار قبول تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم صادره از دبی و دستور اجرای آن به استناد کپی مصدق دادنامه بدوی و تجدیدنظر و اجرائیه صادره از محاکم دبی و فتوایی مصدق ترجمه رسمی دادنامه و اجرائیه صادره از محاکم دبی و فتوایی مصدق تاییدیه رأی صادره در خصوص رأی صادره از محاکم دبی و دلیل سمت وکالت نامه وکیل، نظر به اینکه مطابق ماده ۲۳ توافقنامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری منعقد فی مابین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ که در تاریخ ۸۹/۱۰/۲۲ به تایید شورای محترم نگهبان رسیده، راجع به اصل محکوم به، به لحاظ اینکه شرایط مقرر در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی را دارا بوده و وکیل خواهان نیز وفق مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مرقوم اجرای آن را کتبا تقاضا نموده است، دادگاه مستندا به ماده ۱۷۴ قانون مدنی قرار قبول تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم و دستور اجرای آن معادل مبلغ ریالی در زمان اجرا را صادر و اعلام می دارد. و اما راجع به مطالبه خسارت تاخیر تادیه به میزان ۴٪ از آنجایی که پرداخت خسارت و سود به صورت درصد ثابت یا محسوب و مفاد حکم مخالف با قوانین مربوطه در نظم عمومی و اخلاق حسنه و خلاف شرع بوده مستندا به بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار رد تقاضا صادر و اعلام می دارد. قرار صادره ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.» (رئیس شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران- نیک بخش)

رأی تجدیدنظر

«در خصوص تجدیدنظرخواهی شرکت م. با وکالت آقای الف.ج به طرفیت آقایان م.، الف. و ع. همگی م. نسبت به آن بخش از دادنامه شماره ۱۱۸۶ مورخ ۹۲/۱۲/۶ موضوع پرونده کلاسه بایگانی... شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن راجع به تقاضای

قرار قبول لازم الاجرا بودن حکم صادره محکمه امیرنشین دبی و دستور اجرای آن بر اساس موازین و مقررات قانون اجرای احکام مدنی و معاهدات قضایی فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی نسبت به مطالبه خسارت تاخیر تادیه به میزان ۴٪ از آنجایی که پرداخت خسارت سود به صورت درصد ثابت ربا محسوب و مفاد حکم دادگاه دبی مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه و خلاف شرع تلقی شده، مستنداً به بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار رد تقاضای تجدیدنظرخواه در این خصوص با وصف مقید در دادنامه تجدیدنظرخواسته صادر گردیده است. اینک وکیل تجدیدنظرخواه به شرح لایحه اعتراضیه منضم دادخواست مطروح در مقام توضیح تجدیدنظرخواهی بیان داشته در چهارچوب مقررات بانکی و قراردادهای فی مابین بانک ها و اشخاص، خسارت تاخیر تادیه قابل مطالبه خواهد بود که این موضوع منصرف از قضیه مطروح تجدیدنظرخواه می باشد و آنچه محکمه دبی به نحو ثابت به عنوان بهره در حکم مورد تقاضای اجرا آورده است در مقررات و قوانین جمهوری اسلامی ایران مورد حکم قرار نگرفته و منطبق و مشمول استفساریه مرقوم مورد دفاع تجدیدنظرخوانده از شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بنا بمراتب، این امر منطبق با بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی تلقی و تشخیص گردیده و دادنامه تجدیدنظرخواسته بنا به جهات یاد شده واجد ایراد قضایی نبوده و اعتراض به گونه ای مدلل و موثر که موجبات گسیختن دادنامه مرقوم را فراهم نماید مطرح نگردیده است. به علاوه تجدیدنظرخواهی با شقوق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی سازگاری مطابقت نداشته، از این رو با استناد به ماده ۳۵۳ از همان قانون ضمن رد تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظرخواسته عیناً تایید و استوار می گردد. این رأی قطعی است.» (مستشاران شعبه ۵۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران. فلکی-کرمی)

در بند ۴ از ماده ۴۴ موافقت نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ آمده که؛ تصمیمی که درخواست اجرای آن شده است اگر با نظم عمومی و اخلاق حسنه طرف متعاقد درخواست شونده مغایرت داشته باشد، درخواست اجرا پذیرفته نخواهد شد.

شرط سوم جهت شناسایی و اجرای احکام خارجی، عبارت است از اینکه، اجرای حکم مخالف با عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص

نباشد.

قوانین مخصوص مانند تقسیم ترکه در قانون امور حسبی و یا قانون مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه که قوانین مخصوص هستند. برای شرط مذکور یک مثال می زنیم: در حقوق بین الملل بحث مصونیت قضایی دولت ها مطرح است که کشور ایران نیز در آن عضو است.^۱ بدین معنا که، هیچ دولتی در دادگاه دولت دیگر یعنی کشور دیگر محاکمه نمی شود. بنابراین دادگاه داخلی کشوری نمی تواند دولت کشور دیگری را محاکمه نماید. فرض کنید دادگاه سوئیس، دولت روسیه را بابت جنگ محکوم کرده است و یکی از سران کشور سوئیس به این جهت که دولت روسیه در ایران اموال دارد، تقاضای شناسایی و اجرای رأی را در دادگاه ایران مطرح می نماید. در این فرض، شرط اول و دوم یعنی رفتار متقابل و مخالف نبودن با نظم عمومی وجود دارد اما شرط سوم وجود ندارد یعنی به شرح پیش گفته شده، اجرای چنین حکمی با تعهدات بین المللی ایران در تعارض است و در نتیجه چنین رأیی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. شرط چهارم که دادگاه ایران بایستی احراز نماید این است که، از دادگاه های ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد. مانند اینکه یک شرکت ترکیه ای علیه یک شرکت ایرانی در دادگاه ترکیه رأی محکومیت گرفته است و با توجه به اینکه شرکت ایرانی در ایران اموالی دارد بدین جهت شرکت ترکیه ای تقاضای شناسایی و اجرای رأی را در دادگاه ایران مطرح می نماید. اما کاشف به عمل آمده است که یکی از دادگاه های ایرانی سابقا حکم بر بطلان معامله فی مابین شرکت ترکیه ای و ایرانی را صادر کرده است. در نتیجه چون اجرای رأی دادگاه ترکیه با رأی دادگاه ایران در تعارض است لذا طبق بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی چنین حکمی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. شایان ذکر است محکوم علیه بایستی در مقام دفاع چنین حکمی را یعنی حکم مخالف را به دادگاه ارائه دهد. شرط ششم جهت شناسایی و اجرا عبارت است از اینکه، رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد. برخی از دعاوی در صلاحیت انحصاری دادگاه های ایران است و در نتیجه اگر راجع به آن از دادگاه خارجی رأی صادر شده باشد، دادگاه ایرانی نباید

۱- قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت های قضایی دولتها و اموال آنها مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹.

آن را شناسایی و اجرا کند. مانند دعوای راجع به ورشکستگی که در صلاحیت انحصاری دادگاه های ایران است و هم چنین دعوای راجع به اموال غیرمنقول مانند دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مال غیرمنقول و یا حقوق راجع به آن که در بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز آمده است. هم چنین رسیدگی به دعوای مربوط به اموال مصادره شده در صلاحیت انحصاری دادگاه انقلاب است.^۱ شرط هفتم جهت شناسایی و اجرا، دعوای راجع به اموال غیرمنقول و حقوق متعلق به آن است که ذکر شد. لازم به توضیح است در اکثر کشورها در مورد تملک اموال غیرمنقول محدودیت هایی وجود دارد. در ایران نیز، بیگانگان از داشتن حق عینی نسبت به اموال غیرمنقول محروم هستند. بر اساس ماده ۸ قانون مدنی، در حقوق ایران بیگانگان بر اساس عهود حق مالکیت بر اموال غیر منقول را خواهند داشت.^۲ شرط هشتم و آخرین شرط جهت شناسایی و اجرای احکام خارجی عبارت است از اینکه، درخواست اجرای حکم از مقامات صلاحیت دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

شرایط مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی عام مجموعی است و دادگاه ایرانی بایستی شرایط مذکور را به ترتیب احراز نماید و اگر همه شرایط وجود داشت سپس دستور شناسایی و اجرای آن را دهد و چنانچه یکی از شرایط مذکور وجود نداشته باشد، رأی خارجی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. یکی از حقوقدانان، مهم ترین مانع در شناسایی و اجرای آرای دادگاه های خارجی در ایران را شرط معامله متقابل (بند یک ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م) دانسته است و بیان داشته است که دادگاه های ایران در صورتی رأی خارجی را شناسایی و به اجرای آن دستور می دهند که محرز شود کشور صادرکننده نیز متقابلاً آراء صادره دادگاه های ایرانی را شناسایی و به اجرای آن دستور می دهد و عدم وجود معاهده بین کشور ایران و کشور صادرکننده رأی، عملاً به معنای عدم تحقق شرط مزبور می باشد.^۳ به شرح پیش گفته شده، شرایط مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی عام مجموعی بوده و چنانچه یکی از شرایط نباشد، رأی خارجی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود بنابراین همه

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۸۱ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲.

۲- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ص ۲۸۲.

۳- شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۰، ص ۵۹۴.

شروط در یک درجه دارای اهمیت هستند. شایان ذکر است اگر بین کشور ایران و کشوری که رأی در آنجا صادر شده است قراردادی وجود داشته باشد، در این صورت به استناد ماده ۱۷۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، شناسایی و اجرا بر اساس آن قرارداد خواهد بود. که در حال حاضر کشور ایران با کشورهای متعددی از جمله کشورهای چین، امارات، روسیه، سوریه و آذربایجان و... قراردادهای دوجانبه در خصوص موضوعات قضایی دارد.

با توجه به اینکه در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ صراحتاً از کلمه احکام استفاده شده است و هم چنین مستفاد از مواد ۱۷۰، ۱۷۱ و ۱۷۲ قانون مزبور، شناسایی و اجرای احکام خارجی صرفاً ناظر بر احکام است و شامل قرارها مانند قرار تامین خواسته و دستور موقت نمی شود که در این خصوص نظریه مشورتی نیز وجود دارد.^۱

مضافاً اینکه شناسایی و اجرای احکام خارجی همانگونه که دکترین حقوقی اظهار داشته اند صرفاً شامل احکام مراجع قضایی است و شامل مراجع شبه قضایی و اداری نمی شود. هم چنین شناسایی و اجرای احکام خارجی صرفاً ناظر بر موضوعات مدنی و تجاری است و شامل موضوعات کیفری و مالیاتی و... نمی شود. کنوانسیون ۲۰۱۲ و ۱۹۶۸ بروکسل نیز موید این موضوع است.

نحوه اجرای حکم خارجی در ایران همانند اجرای احکام داخلی است اما سوالی که وجود دارد این است که محدودیت ها و امتیازاتی که در اجرای احکام داخلی وجود دارد در اجرای احکام خارجی نیز وجود دارد؟ بعنوان مثال آیا محکوم علیه در اجرای احکام خارجی که در ایران تقاضای شناسایی و اجرا شده است می تواند دادخواست اعسار دهد؟ آیا محکوم له می تواند تقاضای اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی را بنماید؟ ماده ۲۷ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ مقرر داشته: «مقررات این قانون در مورد گزارش های اصلاحی مراجع قضایی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آن ها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.» ماده ۲۷ مذکور بیان داشته که... "اجرای آن ها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است...". لذا آرای خارجی نیز پس از شناسایی و دستور اجرا طبق قانون اجرای احکام مدنی اجرا خواهند شد. بنابراین طبق ماده ۲۷ قانون مرقوم کلیه

مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی از جمله اعمال ماده ۳ و تقاضای اعسار و ممنوع الخروجی در خصوص اجرای احکام خارجی نیز اعمال خواهد شد. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز به ظاهر ماده ۲۷ قانون مرقوم عمل نموده و بیان داشته که احکام دادگاه های خارجی نیز شامل این قانون می شود.

نتیجه گیری

با بررسی شناسایی و اجرای احکام خارجی در سیستم حقوقی ایران مشخص شد که شناسایی و اجرای احکام خارجی از موضوعات حائز اهمیت حقوق بین الملل خصوصی است. فلسفه شناسایی و اجرای احکام خارجی این است که فرض بر وجود اموال محکوم علیه در ایران است لذا اگر اموالی در ایران وجود نداشت عملاً شناسایی و اجرا منتفی خواهد بود. فی الواقع شناسایی و اجرا شبیه به نیابت اجرایی می باشد. مضافاً اینکه، نزاکت بین المللی ایجاب می نماید که کشورها به قوانین و مقررات کشورهای دیگر احترام گذاشته و اجازه دهند که احکام صادره از کشوری در کشور دیگر تحت شرایطی قابل اجراء باشد. نکته مهم دیگر در خصوص شناسایی و اجرای آرای خارجی، وجود حلقه ارتباطی با کشور محل شناسایی و اجراء است. طبق قاعده کلی که وجود دارد؛ دادگاه های داخلی هیچ کشوری نباید به دعوایی رسیدگی کند که هیچ گونه حلقه ارتباطی با آن کشور ندارد و حلقه ارتباطی می تواند ناشی از تابعیت، سکونت، محل انعقاد قرارداد و محل وقوع مال باشد. در تمامی نظام های حقوقی از جمله نظام حقوقی کشور عزیزمان ایران (ماده ۹۷۲ قانون مدنی)، قاعده و اصل بر عدم اجرای احکام دادگاه های خارجی است که این قاعده، حکم واقعی اولیه بوده است لذا حکم واقعی ثانویه اجازه اجرای احکام دادگاه های خارجی را تحت شرایطی می دهد. شایان ذکر است در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری بین المللی، دکترین حقوقی معتقدند، اصل بر شناسایی و اجرای آرای داوری بین المللی است مگر اینکه با موانع محدودی که در ماده ۵ کنوانسیون آمده و آن هم صرفاً جهات شکلی است مواجه شود.

با بررسی قانون اجرای احکام مدنی ایران ملاحظه گردید که شرایط ماهوی برای شناسایی و اجرای احکام خارجی عبارت است از اینکه؛ اولاً؛ حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادهای احکام صادره از دادگاه های ایران در آن کشور قابل

اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید. ثانیاً؛ مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. ثالثاً؛ اجرای حکم مخالف با عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد. رابعاً؛ حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. خامساً؛ از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد. سادساً؛ رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد. سابعاً؛ حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد. ثامناً؛ دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

تمامی شروط مندرج در ماده ۱۶۹ قانون مرقوم، از اهمیت یکسانی برخوردار بوده و چنانچه یکی از این شرایط وجود نداشته باشد، رأی خارجی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. شناسایی مقدمه اجرا است لذا هر اجرایی مستلزم شناسایی است اما هر شناسایی مستلزم اجرا نیست مانند شناسایی طلاق در ایران که در کشور خارجی صادر شده است. شرایط شکلی نیز در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی ایران آمده است. لذا دادگاه ایرانی بایستی علاوه بر شرایط شکلی مندرج در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی، شرایط ماهوی مندرج در ماده ۱۶۹ قانون موصوف را نیز احراز نماید.

شناسایی و اجرای احکام خارجی؛ اولاً، ناظر بر موضوعات مدنی و تجاری بوده است لذا شامل موضوعات کیفری و مالیاتی و.... نمی شود که در کنوانسیون بروکسل نیز اشاره شده است. ثانیاً، به صراحت مواد ۱۶۹ الی ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی که از واژه «حکم» استفاده نموده است لذا صرفاً ناظر بر احکام است و شامل قرارها مانند قرار تامین خواسته نمی شود. در این خصوص باید گفت که قرارهای اعدادی مانند قرار کارشناسی، که در نیابت های قضایی و همکاری های قضایی بین کشورها صورت می گیرد اشکالی ندارد و این متفاوت از موضوع مقاله حاضر است. ثالثاً، شامل مراجع اداری نمی شود و صرفاً ناظر بر مراجع قضایی است. رابعاً، اجرای احکام خارجی در ایران مطابق با قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی صورت خواهد گرفت که در متن اشاره گردید.

منابع و مآخذ

الف) کتب و مقاله

- ۱- شیروی، دکتر عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۰.
- ۲- الماسی، دکتر نجادعلی، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، جلد سوم، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۲.
- ۳- صفایی، دکتر حسین، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
- ۴- بیات، دکتر فرهاد، شرح جامع حقوق مدنی ایران، انتشارات ارشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۶.
- ۵- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات دادگستر، جلد دوم، ۱۳۷۷.
- ۶- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
- ۷- الماسی، دکتر نجادعلی، شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵، ۱۳۶۹.

ب) قوانین و آراء قضایی

- ۱- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷ با الحاقات و اصلاحات بعدی.
- ۲- قانون اجرای احکام مدنی ایران مصوب ۱۳۵۶/۸/۱.
- ۳- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۴/۳/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۴- رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- ۵- آراء دادگاههای حقوقی.
- ۶- نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه.
- ۷- قانون تصویب موافقتنامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.
- ۸- قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت های قضایی دولتها

و اموال آنها مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹.

- ۹- قانون تصویب موافقت نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴
- ۱۰- کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ - ۲۰۱۲.
- ۱۱- کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸.

